

در آینه پیامبر(ص)

مجموعه‌ای از سخنان پیامبر اکرم(ص)

□ مردی نزد پیامبر(ص) آمد و در حالی که با او سخن می‌گفت لرزه بر اندامش افتاده بود. پیامبر فرمود: «بر خود آسان گیر! من پادشاه نیستم، من پسر زنی هستم که گوشت مانده‌ی خشک شده می‌خورد.» (میزان الحکمه، ص ۶۱۹۷)

□ حبیب بن حارث نزد پیامبر(ص) آمد و گفت: «من مردی هستم که زیاد گناه می‌کنم.» فرمود: «توبه کن.» گفت: «یا رسول الله! توبه می‌کنم و باز هم گناه می‌کنم.» فرمود: «هر وقت گناه کردی توبه کن.» گفت: «یا رسول الله! در این صورت گناهان من زیاد می‌شود.» فرمود: «عفو خداوند از گناه تو بیشتر است.» (خاتم النبیین، علی کمالی، ص ۲۵۶)

□ روزی پیامبر(ص) با اصحاب در مسجد بود. عربی بیابانی آمد و در گوشه‌ای از مسجد ادرار کرد. اصحاب بر او فریاد زدند. پیغمبر(ص) فرمود: «مزاحمش نشوید تا تمام کند.» آنگاه پیغمبر(ص) او را خواست و فرمود: «این مساجد را برای ادرار کردن و پلید ساختن برپا نکرده‌اند، بلکه برای یاد کردن خداوند و نماز گزاردن و قرآن خواندن ساخته‌اند.» آنگاه فرمود آب آوردند و آن محل را تطهیر کردند. (خاتم النبیین، علی کمالی، ص ۲۶۰)

□ پیامبر(ص) در راهی دید یکی گوسفندی را خوابانده و پا بر گلوی او نهاده کارد را تیز می‌کند و گوسفند به او نگاه می‌کند. فرمود: «می‌خواهی او را ذبح کنی یا دوبار او را بمیرانی؟» (خاتم النبیین، علی کمالی، ص ۴۸۴)

□ روزی پیامبر(ص) نماز جماعت را از همیشه سبک‌تر خواند، یکی گفت: «چرا؟» فرمود: «مگر صدای گریه‌ی طفل را نشنیدی؟» (خاتم النبیین، علی کمالی، ص ۲۵۵)

□ پیامبر اکرم(ص): نزدیک‌ترین شما به من در روز قیامت، راستگوترین شماست و امانت‌دارترین شما و پایبندترین شما به عهد و پیمان و خوشخوترین شما و نزدیک‌ترین شما به مردم. (میزان الحکمه، ص ۶۹۶۷)

□ پیامبر اکرم(ص): سوگند به آنکه جان محمد در دست اوست، هیچ بنده‌ای به من ایمان نیاورده در حالی که شب را سیر بخوابد و برادر (یا همسایه‌ی) مسلمانش گرسنه باشد. (میزان الحکمه، ص ۳۲۹۵)

□ پیامبر اکرم(ص): هر که صبح کند در حالی که به امور مسلمانان اهتمام ندارد از آنها نیست و هر که فریاد کمک‌خواهی مردی را بشنود و به کمکش نشتابد مسلمان نیست. (میزان الحکمه، ص ۲۵۵۵)

□ پیامبر اکرم(ص): خداوند آن امتی را که در آن حق ناتوان بدون ترس و لرز از قدرتمند گرفته نشود هرگز پاک نمی‌گرداند. (میزان الحکمه، ص ۴۶۱۹)

□ پیامبر اکرم(ص): هرگاه دیدی که امت من به ستمگر نمی‌گویند «تو ستمگری» بی‌تردید از دست رفته‌اند. (میزان الحکمه، ص ۱۸۱۱)

□ پیامبر اکرم(ص): بدترین‌های امت آن کسانی که از ترس شرشان آنها را گرامی دارند. (تحف العقول، ص ۵۸)

□ پیامبر اکرم(ص): در دهان مدیحه سرایان خاک بپاشید. (خاتم النبیین، علی کمالی، ص ۸۵)

□ پیامبر اکرم(ص): همانا پیشینیان شما هلاک شدند، زیرا اگر بزرگی از ایشان دزدی می‌کرد، رهایش می‌کردند و چون فردی ضعیف دزدی می‌کرد، بر وی حد جاری می‌کردند. (صحیح مسلم، ج ۱۱، ص ۱۸۷)

□ پیامبر اکرم(ص): هرآینه گره‌های اسلام یکی یکی گشوده خواهد شد و هرگاه گرهی باز شود مردم به گره بعدی آن خواهند پرداخت، اولین گرهی که باز می‌شود زیر پا گذاشتن قضاوت [عادلان] است و آخرین آن نماز. (میزان الحکمه، ص ۲۵۵۵)

□ پیامبر اکرم(ص): ساعتی عدالت، بهتر از شصت سال عبادت است که شبش به عبادت و روزش به روزه‌داری بگذرد و یک ساعت بی‌عدالتی در حکومت، نزد خدا بدتر از شصت سال گناه است. (میزان الحکمه، ص ۳۴۹۵)

□ پیامبر(ص) سپاهی را گسیل داشت و مردی را فرمانده آنان کرد و به سپاهیان فرمود تا دستوره‌ای او را بشنوند و اطاعت کنند. آن مرد آتشی افروخت و به سپاهیان دستور داد خود را در آن بیندازند. گروهی از وارد شدن به آتش سر باز زدند و گروهی مردد بودند که وارد آتش شوند یا نه. این خبر به پیامبر(ص) رسید، فرمود: «اگر به درون آتش می‌رفتند برای همیشه در آتش بودند.» آن‌گاه فرمود: «در معصیت خدا نباید از هیچ کس اطاعت کرد.» (میزان الحکمه، ص ۲۳۵)

□ پیامبر اکرم(ص): هر کس با انجام کاری که خدا را ناخشنود می‌کند فرمانروایی را خشنود سازد از دین خدای عزوجلّ خارج شده‌است. (میزان الحکمه، ص ۳۳۳۵)

□ پیامبر اکرم(ص): هرگونه که باشید همان‌گونه بر شما حکومت می‌شود. (میزان الحکمه، ص ۶۸۵۳)

□ پیامبر اکرم(ص): چون قیامت فرارسد، منادی بانگ کند: «کجایند ستمگران و دستیاران ستمگران: کسی که لایقه‌ای در دوات ایشان گذاشته یا سر کیسه‌ای برای ایشان بسته یا یک بار برای ایشان قلم به دوات زده‌است، همه را با آنان محشور کنید.» (ترجمه‌ی الحیاه، ج ۲، ص ۵۰۲)

□ پیامبر اکرم(ص): پشیمان‌ترین مردمان در روز رستاخیز کسی است که آخرت خود را برای دنیای دیگری بفروشد. (میزان الحکمه، ص ۱۱۹۳)

□ پیامبر اکرم(ص): چون بدعت‌ها در امت من پدید آید بر عالم است که علم خود را آشکار کند. پس هر کس چنین نکند لعنت خدا بر او باد. (ترجمه‌ی الحیاه، ج ۲، ص ۴۶۷)

□ پیامبر اکرم(ص): به نماز و روزه و حج و بخشش و ناله‌های شبانه‌ی زیاد آنها نگاه نکنید، بلکه به راستگویی و امانتداری آنها بنگرید. (میزان الحکمه، ص ۴۰۹)

□ پیامبر اکرم(ص): هر که نزد توانگری رود و از سر چشمداشت به آنچه او دارد در برابرش کرنش کند دو سوم دینش از بین می‌رود. (میزان الحکمه، ص ۶۸۵۳)

□ پیامبر اکرم(ص): هر یک از شما در دنیا سخن حقی را بگوید تا بدان وسیله باطلی را دفع کند یا حقی را یاری رساند، مقامش برتر از مقام و ارزش هجرت با من است. (میزان الحکمه، ص ۶۶۰۵)

□ پیامبراکرم(ص): به خوبی فرمان دهید، اگرچه خودتان به آن عمل نکنید و از زشتکاری‌ها باز دارید، هرچند خودتان از همه‌ی آنها اجتناب نکنید. (میزان الحکمه، ص ۳۷۲۱)

□ پیامبراکرم(ص): حکایت مؤمن و برادرش حکایت دو کف دست است که یکی دیگری را تمیز می‌کند. (میزان الحکمه، ص ۵۴۲۷)

□ پیامبراکرم(ص): بهترین صدقه، این است که انسان علمی را بیاموزد و سپس آن را به برادر خود آموزش دهد. (میزان الحکمه، ص ۳۹۵۵)

□ پیامبراکرم(ص): همه‌ی تقوا این است که آنچه را نمی‌دانی بیاموزی و آنچه را می‌دانی به کار بندی. (میزان الحکمه، ص ۷۰۱۹)

□ پیامبراکرم(ص): هیچ عملی جز با شناخت پذیرفته نشود و هیچ شناختی پذیرفته نیست جز با عمل. (میزان الحکمه، ص ۳۵۵۵)

□ پیامبراکرم(ص): علم عمل را صدا می‌زند، اگر پاسخش را داد می‌ماند وگرنه می‌رود. (میزان الحکمه، ص ۳۹۹۷)

□ پیامبراکرم(ص): اگر روزی بر من بیاید که در آن روز بر دانش خود چیزی نیفزایم که به خدای تعالی نزدیکم گرداند، طلوع خورشید آن روز بر من مبارک مباد. (میزان الحکمه، ص ۳۹۳۳)

□ پیامبراکرم(ص): کسی که به دنیا بچسبد من سه چیز را برای او قطعی می‌دانم: فقری که هیچ‌گاه به بی‌نیازی نمی‌انجامد، گرفتاری‌ای که هرگز از آن خلاصی نیست و غم و اندوهی که هرگز به پایان نمی‌رسد. (میزان الحکمه، ص ۱۱۴۹)

□ پیامبراکرم(ص): هر که از خدای عزوجلّ بترسد، همه چیز از او بترسد و هر که از خدا بترسد، خداوند ترس از همه چیز را در دل او بیفکند. (میزان الحکمه، ص ۱۵۷۵)

□ گوسفندی را ذبح کردند و گوشت آن را انفاق کردند. پیامبراکرم(ص) فرمود: «چیزی مانده است؟» عرض شد: «به‌جز شانه‌اش چیزی باقی نمانده است.» پیامبر(ص) فرمود: «به‌جز شانه‌اش همه‌ی آن باقی مانده است.» (میزان الحکمه، ص ۶۴۴۹)

□ پیامبراکرم(ص): هر چیز که کم باشد و کفایت کند بهتر است از آنچه که زیاد و بیهوده باشد. (میزان الحکمه، ص ۴۳۳)

□ پیامبراکرم(ص): ای مردم! گویی مرگ در این دنیا فقط برای دیگران تعیین شده و انگار حق در آن بر غیر ما واجب گشته و گویی مردگانی که تشییع می‌شوند مسافرانی هستند که به زودی به سوی ما برمی‌گردند، ... میراثشان را چنان می‌خوریم که گویی پس از آنان جاودانه‌ایم. از هر بلای سخت و بنیان‌کنی خود را ایمن می‌پنداریم و هر اندرزی را از یاد برده‌ایم. (میزان الحکمه، ص ۶۹۱۷)

□ پیامبراکرم(ص): تا جایی که می‌توانید مجازات‌ها و حدود را از مسلمانان دور کنید ... اگر امام در بخشودن خطا کند بهتر است تا در کیفر دادن گرفتار خطا شود. (میزان الحکمه، ص ۱۰۴۵)

□ پیامبراکرم(ص): هر کس که مردی را بر ده تن امیر کند و بداند که در میان آن ده تن کسی دیگر شایسته‌تر از اوست، قطعاً به خدا و رسولش خیانت کرده است. (خاتم النبیین، علی کمالی، ص ۳۶۱)

□ مرد زناکاری را سنگسار کردند. شخصی به رفیق خود گفت: «او مثل سگ کشته شد.» پیامبر(ص) با آن دو نفر بر لاشه‌ی مرداری گذشتند، به آنان فرمود: «با دندان خود تکه‌ای از این لاشه را برکنید.» عرض کردند: «ای رسول خدا! درود خدا بر تو، مرداری را گاز بگیریم؟» فرمود: «آنچه از برادران برگرفتید گندیده‌تر از این لاشه است.» (میزان الحکمه، ص ۱۰۵۳)

□ پیامبر(ص) مردی را برای جمع‌آوری زکات فرستاد. وی پس از بازگشت از مأموریت خود و هنگام حسابرسی، قسمتی از اموال را تحویل بیت‌المال داد و گفت: «این برای شماس» و قسمتی را برای خود نگه‌داشت و گفت: «این به من هدیه شده‌است.» پیامبراکرم(ص) به شدت ناراحت شد و به منبر رفت و گفت: «...چه شده است که عاملی را که برای جمع‌آوری زکات می‌فرستیم، می‌گوید این برای شماس و این به من هدیه شده است؟! آیا اگر او تاکنون در خانه‌ی پدر و مادرش نشسته بود چیزی به او هدیه می‌دادند؟ سوگند به آنکه جانم در دست اوست، هیچ یک از شما به چیزی از بیت‌المال چنگ نمی‌اندازد مگر آنکه روز قیامت در حالی که آن چیز وبال گردنش شده است به محشر وارد می‌شود.» (صحیح بخاری، ج ۹، ص ۷۱۹)

□ مردی نزد پیغمبر آمد و گفت: «هلاک شدم.» فرمود: «چه چیز تو را هلاک کرده؟» گفت: «روزه بودم و با همسر هم‌خواه شدم.» فرمود: «بنده‌ای داری که آزاد کنی؟» گفت: «نه.» فرمود: «می‌توانی دو ماه روزه بگیری؟» گفت: «نه.» فرمود: «می‌توانی شصت مسکین را غذا دهی؟» گفت: «نه.» فرمود: «بنشین.» در این وقت زنبیلی خرما هدیه آوردند. پیغمبر(ص) فرمود: «این سائل کجاست؟» گفت: «منم.» فرمود: «این خرما را بگیر و صدقه بده.» گفت: «آیا بر فقیرتر از خودم؟ به خدا سوگند بین این دو کوه سیاه مدینه خانواده‌ای فقیرتر از ما نیست.» پیغمبر(ص) خندید و فرمود: «آن را ببر و به خانواده‌ات بده تا بخورند.» (خاتم النبیین، علی کمالی، ص ۲۶۹)

□ مردی به رسول خدا(ص) عرض کرد: «هیچ کار زشتی نیست که نکرده باشم. آیا راه توبه و بازگشت برایم وجود دارد؟» فرمود: «آیا از پدر و مادرت کسی زنده هست؟» عرض کرد: «پدرم.» فرمود: «برو و به او نیکی کن.» وقتی آن مرد رفت، رسول خدا(ص) فرمود: «ای کاش مادرش می‌بود.» (میزان الحکمه، ص ۷۰۹۷)

□ پیامبراکرم(ص): زنی بدکاره سگی را دید که بر سر چاهی لهله می‌زند و کم مانده از تشنگی بمیرد. او کفش خود را در آورد و آن را به روسری خود بست و به وسیله‌ی آن از چاه آب کشید [و به آن حیوان داد]، پس خداوند او را به سبب این کار آمرزید. (میزان الحکمه، ص ۱۳۴۷)

□ پیامبراکرم(ص): گناه کردن مردم تو را از گناهت غافل نکند و نعمتهای مردم تو را از نعمتهایی که خداوند ارزانیت داشته‌است دچار غفلت نسازد و مردم را از رحمت خدای عزوجلّ که تو خود بدان امید بسته‌ای نومید مگردان. (میزان الحکمه، ص ۴۲۷۵)

□ پیامبراکرم(ص): گنهکار امیدوار به رحمت خدای متعال به رحمت نزدیک‌تر است تا عابد نومید گشته. (میزان الحکمه، ص ۵۰۴۷)

□ پیامبراکرم(ص): ای مسلمانان! آستین بالا زنید که موضوع جدی است و آماده شوید که رفتن نزدیک است و توشه بردارید که سفر طولانی است. بارهایتان را سبک کنید که گردنه‌ای دشوار درپیش دارید که جز سبکباران آن را نپیمایند. (میزان الحکمه، ص ۸۶۱)